بیانات مقام معظم رهبری در اوّلین روز ورود به ساری - 22 /مهر/ 1374

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
الحمدلله ربّ‌العالمین. والصّلاة والسّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم محمّد و علی آله‌الاطیبین الاطهرین المنتجبین. الهداة المهدیّین المعصومین المکرّمین المطهرین. سیّما بقیةالله فی الارضین.
قبل از شروع عرایضم، به عنوان سپاسگزاری از احساسات پرشور و صمیمانه و محبّت‌آمیز شما برادران و خواهران عزیز، می‌خواهم چند دعا بکنم تا تفضّلات الهی را به برکت دعای شما دلهای پاك و نفسهای گرم، متوجّه به جمع خودمان کنیم.
پروردگارا! تو را به پاکان درگاهت سوگند می‌دهیم که فضل و رحمت و برکت خودت را بر این مردم نازل فرما.
پروردگارا! نور هدایت را در دل یکایك مرد و زن این جمعیت بتابان. پروردگارا! این احساسات، این صمیمیّتها و این دلهای پرمحبّت را منظور نظر ولی و حجّت‌حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنافداه قرار بده. پروردگارا! آنچه می‌گوییم و می‌شنویم و می‌کنیم، همه را برای خودت و در راه خودت قرار بده.
لازم است که یك کلمه در باب امروز و دیروز استان مازندران عرض کنم. وقتی که سیل جمعیتهای مؤمن، به انقلاب بزرگ ملت ایران رو کردند، یکی از استانهایی که از صفوف مقدّم محسوب می‌شد و با همه‌ی وجود در این راه قدم گذاشت، استان مازندران بود. وقتی نوبتِ دفاع از انقلاب مقدّس و دفاع از مرزهای این کشور شد، یکی از استانهایی که صفوف مقدّم را در میدانهای جنگ تشکیل داد و لشکر خطشکن 25 کربلا را به وجود آورد، استان مازندران بود.
وقتی نوبتِ مقابله با توطئه‌های دشمنان، منافقین، فاسقین، منحرفین و ملحدین شد، استانی که در مقابل دشمنان از هر نوع، سینه سپر کرد، استان مازندران بود.
شاید در سرتاسر این استان، شهری و روستایی و جماعتی حتّی خانواده‌ای که به نحوی در جنگ، در انقلاب، در شهادت، در جانبازی و در ایثارگری شرکت نداشته باشد، وجود ندارد. هرجای این استان که شما نگاه کنید از شرق تا غرب استان، از شهرها تا روستاها و کوهپایه‌ها - همه جا و همه جا، زن و مرد این استان، در این انقلاب، در تشکیل نظام اسلامی، در هدایت جنگ و در سازندگی کشور دارای نقش بوده‌اند.
امروز استان مازندران این است ؛ یك جمعیت مؤمن، پرشور، علاقه‌مند و جوانانی که هیچ خطری نمی‌تواند آنها را از دفاع از ارزشهای این انقلاب باز بدارد. پدران و مادرانی که جوانان خود را ایثارگرانه در این راه فرستاده‌اند و می‌فرستند ؛ خانواده‌ها و قشرهای مختلف، همه و همه در خطوط مقدّم این انقلاب قرار داشتند و قرار دارند. امروز استان مازندران این است.
اگر به تاریخ مازندران نگاه کنیم بخصوص جوانان، روشنفکران، دانشجویان، روحانیون محترم و قشرهای برگزیده و اهل فرهنگ و معرفت به این نکته توجّه کنند می‌بینیم که مازندران در صدر اسلام در قرنهای اوّل ظهور اسلام در ایران تا وقتی که در مقابل حملات لشکریانِ فرستاده شده از طرف دربارهای اموی و عباسی قرار گرفت، مقاومت کرد.
یعنی سلاطین ظلم کسانی که بر دنیای اسلام در آن روز حکمرانی می‌کردند نتوانستند با زور شمشیر، دروازه‌ی مازندران را به روی خودشان باز کنند. اما آن وقتی که فرزندان پیغمبر، خانواده‌ی ائمّه‌ی اهل بیت و اولاد زیدبن‌علی‌بن‌الحسین علیهم‌السّلام به مازندران آمدند، مردم این استان، فرزندان پیغمبر را در آغوش گرفتند. دور «داعی کبیر» را که از اولاد پیغمبر و از ذرّیه‌ی حضرت علی‌بن‌الحسین علیهاالسّلام بود، گرفتند و اسلام را با شکل علوی‌اش، به شیوه‌ی اهل بیت آموختند و باز در مقابل آن دربارهای ظلم و جور هم ایستادند و مقاومت کردند. این گذشته‌ی تاریخی پرافتخار مازندران است.
برادران و خواهران عزیز! من این مطلب را بارها گفته‌ام ؛ باز هم لازم است بگویم تا خودِ شما مردم، قدر این ایمان خالص و صمیمی ؛ این معنویّت و صمیّمتی را که در خطّه، نسبت به ارزشهای انقلاب هست، بدانید. در دوران رژیم گذشته، دو جریان در استان مازندران مشغول فعّالیت و تلاش بودند که هر یك از این دو جریان برای خراب کردن و

بی‌ایمان و فاسد کردن ملتی کافی است.
یکی جریان فرهنگ منحطِّ فاسد رژیم ستمشاهی بود که با همه‌ی توان و قدرت، در این استان فعّالیت و تلاش می‌کرد. می‌خواستند این منطقه‌ی سرسبز و حاصلخیز و پربرکت را از معنویّت و دین خالی کنند، تا راحت‌تر بتوانند از آن سوء استفاده نمایند. یك جریان هم موج چپ بود گرایشهای چپ و مارکسیستی ؛ گرایشهای ضدّ خدا و ضدّ دین و ضدّ ارزشهای اسلامی که در این استان و در این خطّه،فعّالیّت می‌کرد. می‌خواستند کاری کنند که دین و ایمان اسلامی را از این مردم بگیرند.
مردمی که در استان مازندران، ایمان خودشان را آن هم این‌گونه پُرشور و پُرثمر حفظ کرده‌اند، در حقیقت این ایمان را در بین دو دهنه‌ی گاز انبری، که یك طرف آن دستگاه فاسد ستمشاهی و یك طرف، موج چپ بود، نگه داشتند و حفظ کردند. این ایمان، خیلی ایمان باارزشی است. این ایمان، خیلی ایمان عمیقی است.
من با توجّه به این خصوصیّات است که شما مردم مازندران را استان شما، مردم شما، جوانان، رزمندگان، ایثارگران، جانبازان و آزادگان شما و خانواده‌هایی را که در راه خدا و برای این انقلاب تلاش کردند از صمیم قلب دوست می‌دارم و از همه‌ی دل و با همه‌ی وجود به شما ارادت می‌ورزم و مازندران را یکی از ذخایر پروردگار برای انقلاب و برای گسترش تفکر اسلامی عالمگیر شدن این خورشید فروزان که به برکت انقلاب به وجود آمد و درخشان شد می‌دانم.
در همین‌جا هم از استقبال گرم شما مردم، از اجتماع و محبّت شما، از خوشامدگویی شما به این برادر دوستدارتان در این سفر مازندران، تشکر می‌کنم و امیدوارم این سفر برای شما مردم مازندران برای این خطّه و برای ما پیش خدای متعال و در عرصه‌ی فعّالیت انقلاب، مفید و مثمر ثمر باشد.
مطلبی که شما برادران و خواهران عزیز باید به آن توجّه کنید، این است که انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیّبه بدهد. حیات طیّبه، یعنی آن چیزی که قرآن می‌فرماید: «فلنحیّینه حیاة" طیّبه». (74) این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است. حیات طیّبه، یعنی یك ملت، هم از لحاظ مادّی و زندگی روزمرّه و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزّت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانهای مؤمن و خداشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیّبه است.
بعضی جاهای دنیا رونق اقتصادی و رفاه مادّی تا حدودی دارند ؛ اما معنویّت ندارند. وقتی معنویّت در جامعه وجود ندارد، رفاه اقتصادی هم فایده‌ای نمی‌بخشد ؛ تبعیض را برطرف نمی‌کند، عدالت اجتماعی به وجود نمی‌آورد، گرسنگی را ریشه‌کن نمی‌کند و فساد را از بین نمی‌برد. رونق اقتصادی که همه چیز یك کشور نیست. اگر خانواده‌ای پول داشته باشد، اما زن و شوهر در درون خانواده، با هم دائماً دعوا کنند، زندگی در آن خانواده تلخ است. یا خانواده‌ای پول داشته باشد، اما امنیت در درون خانه نباشد، یا جوان آن خانواده معتاد به هروئین باشد، این خانواده لذّت پولداری را نمی‌برد.
یك جامعه هم مثل یك خانواده است. خانواده‌ای مثل خانواده‌ی ملت امریکا را در نظر بگیرید! از لحاظ فعّالیت اقتصادی، تولیداتشان بالاست. پیشرفت علمی آنها خوب است. کارخانه‌هایشان کار می‌کنند. به همه‌ی دنیا جنس صادر می‌کنند و درآمد کشور خوب است ؛ اما آن ملت نمی‌تواند از آن پیشرفت اقتصادی یك بهره‌ی واقعی بگیرد. چرا؟ چون در آن کشور امنیت نیست، معنویّت نیست و جوان در آن کشور نمی‌داند باید چه کار کند. لذا خودکشی و بزهکاریِ جوانان زیاد است ؛ بچه‌ها از سن دوازده، و سیزده سالگی آدمکشی را یاد می‌گیرند ؛ خانواده‌ها متلاشی می‌شوند ؛ زن و شوهر نمی‌توانند روی وجود یکدیگر حساب کنند. زن نمی‌تواند احساس کند که شوهر دارد، شوهر هم نمی‌تواند احساس کند که زن دارد! آن‌جا خانواده وجود ندارد.
ما روزی این حرفها را می‌گفتیم ؛ ولی امروز خود امریکاییها می‌گویند: مجلّاتشان می‌نویسند، روشنفکرانشان فریاد می‌کشند، سیاستمدرانشان یقه می‌درانند و می‌گویند معنویت از جامعه‌ی امریکایی گرفته شده است. چرا؟ به خاطر این‌که در آن دین و ایمان نیست. بله ؛ رفاه اقتصادی تا حدودی هست ؛ اما باز همان رفاه اقتصادی هم برای همه نیست. درآمد کلان آن کشور مخصوص عدّه‌ای است و بقیه از آن بهره‌ای ندارند.
این، آن جامعه‌ای است که مادیّت دارد ؛ اما معنویت ندارد. اسلام نمی‌خواهد این‌طور جامعه‌ای درست کند. اسلام

می‌خواهد هم مادّه و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طیبه اسلام است ؛ «فلنحیّنیه حیاة" طیّبة».
جوانان عزیز من! فرزندان هوشمند و هوشیار کشور بزرگ ایران! دانشجویان، دانش‌آموزان، پسران و دختران ؛ کسانی که فردای این کشور متعلّق به شماست! بدانید اگر می‌خواهید این کشور را بسازید، باید ببینید انقلاب، ارزشهای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، آن نسخه‌ای را که برای ساختن ایران داده است، چیست ایرانی که قرنهای متمادی به وسیله‌ی پادشاهان ستمگر و حکام وابسته و فاسد، ویران و خراب شده است شما خیال می‌کنید که پادشاهان پهلوی به این مملکت، کم ضربه زدند و ویرانی در این مملکت ایجاد کردند؟! قبل از آنها پادشاهان قاجاریه - از زمان ناصرالدّین شاه به بعد به این مملکت، کم ضربه زدند و کم ویرانی در این مملکت ایجاد کردند؟!
انقلاب این ویرانیها را به دست چه کسانی آباد می‌کند؟ به دست شما. اگر می‌خواهید کشور ایران آباد شود، رفاه و رونق اقتصادی، پیشرفت همه‌جانبه، عزّت سیاسی، امنیّت اجتماعی، امنیّت شغلی، دانش و پیشرفت تحقیقات از یك طرف، و معنویت از یك طرف این کشور را روشن و نورانی کند، دو چیز را باید در نظر بگیرید. این دو چیز، وظیفه‌ی همه‌ی قشرها، مخصوصاً قشرهای آگاه است. کاسب، کشاورز، صنعتگر، کارگر، محصّل، استاد، معمّم، فرهنگی و روحانیون محترم، این دو چیز را باید با هم در نظر بگیرند.
یکی این‌که در سازندگی کشور، همه باید با هم شرکت کنند. دوم این‌که در سازندگی نفس خود کوشش کنند. «و توبوا الی‌الله جمیعاً ایّها المؤمنون لعلّکم تفلحون» ؛ (75) فلاح و رستگاری به این است که همه‌ی ما راه توجّه به خدا، تضرّع و توسّل به پروردگار را به عنوان یك راه روشن داشته باشیم. هیچ کدام به تنهایی کافی نیست.
مبادا کسی خیال کند که مملکت بدون فعّالیت و تلاش سازندگی فقط با ذکر خدا گفتن آباد خواهد شد ؛ ابداً. باید تلاش کرد، باید مجاهدت کرد ؛ هم مجاهدت علمی، هم مجاهدت عملی.
استان مازندران، یکی از پرجمعیت‌ترین استانهای این کشور است ؛ استانی با چهار میلیون جمعیت و با منابع فراوان طبیعی. استان شما منابعی دارد که کمتر استانی در این کشور، این منابع را با هم دارد. یك منبع عظیم این استان، همین دریای با برکت است. این دریا یك منبع عظیم ثروت و نعمت پروردگار است. این در اختیار شماست. یك منبع دیگر، زمینه‌های عظیم کشاورزی است این مراتع، این جنگل، این زمینهای کشاورزی و این هوای مناسب در بسیاری جاهای این استان، در سالی دوبار می‌شود کشت کرد. بعضی از محصولات این کشور، بیشترینش در این استان به برکت این هوا، به برکت این آب، این امکانات و این زمین حاصلخیز تولید می‌شود.
علاوه بر اینها معادن طبیعی ؛ یعنی زمینه‌های صنعتی شدن هم در این استان هست. زمینه‌های مربوط به دریا هم باب واسعی است که یکی از آنها صیّادی است و همه‌اش این نیست. چنین بخشی از این کشور، با همه‌ی ارزشهای طبیعی و نعمتهای خداداده، در دستان شماست.
در این استان، نباید کسی بی‌کار باشد، باید ذخایر عظیم ملی به وسیله‌ی این استان، سرشار شود. نباید گره کور وجود داشته باشد. نباید در هیچ بخشی از آن، فقر وجود داشته باشد. اینها تلاش لازم دارد.
عزیزان من!، اگر استکبار جهانی دست نشانده‌های خودش را علیه این ملت تحریك نمی‌کرد و آن جنگ هشت ساله به وجود نمی‌آمد، انقلاب این کارها را در همان سالهای اوّل می‌کرد. عدّه‌ای خوششان می‌آید که کناری بنشینند و علیه مسؤولین کشور تبلیغ کنند ؛ علیه کارگزاران صمیمی و مخلصی که برای این کشور در دولت کار می‌کنند و غالباً هم در صحبتهای خود در بیان مشکلات به دست دشمنان خارجی اشاره می‌کنند. یك عدّه عادت کرده‌اند که در مقابل اینها بگویند «آقا، شما همه‌ی مشکلات را به دشمنان خارجی نسبت می‌دهید!»
آقا! مگر جنگ هشت ساله، جزو واقعیّات این کشور نیست؟! شوخی است که هشت سال بر کشوری یك جنگ همه‌جانبه را تحمیل کنند و تمام منابع مالی آن را به سمت جنگ بکشانند؟! این چیز کمی است؟ خدا خودش می‌داند که در دوران جنگ، بر ما که آن روز، مسؤولین اجرایی این کشور بودیم، چه می‌گذشت! برای فکر کردن، برنامه‌ریزی و آماده‌سازی کردن ؛ تا به این دشمن اجازه داده نشود که مقاصد پلید خودش را نسبت به این ملت و این کشور انجام دهد. مگر وقتی برای کارهای دیگر باقی می‌ماند!

اگر دشمن توطئه نمی‌کرد ؛ اگر دشمن به رهبری استکبار جهانی و در رأسش امریکای پلید و خبیث، علیه این مملکت فعّالیت نمی‌کرد، خیلی از این کارها انجام شده بود. ما چند سال عقبیم ؛ اما دیر نیست. این ملت، تواناست. متّکی به خود و متوکل به خداست. مسؤولین دلسوز و علاقه‌مندی هم دارد ؛ کارشناس و کاردان هم کم ندارد ؛ بازوی کار هم فراوان دارد. می‌تواند خانه‌ی خود را چنان بسازد که هیچ نیازی به بیگانگانی که این ملت از قیافه‌ی آنها بیزار است، نداشته باشد.

حالا امریکاییها می‌نشینند و برای ملت و دولت ایران، خطّ و نشان می‌کشند که تحریم اقتصادی بشود. خدا را شکر می‌کنیم که در همین چند روز گذشته، خودِ مسؤولین امریکایی به زبان خودشان به طور صریح و رسمی اعلان کردند که سیاست تحریم اقتصادی آنها علیه ایران، در سطح بین‌المللی با شکست مواجه شده است!

این نتیجه‌ی ایستادگی شما ملت و نتیجه‌ی نترسیدن از تشر دشمن است. از تشر دشمن نترسید. از امریکا هیچ وقت نترسید. رفتار شجاعانه‌ی ملت و مسؤولین این کشور، بحمدالله ملتهای دیگر را هم تشجیع کرده است.

گذشت آن دورانی که امریکاییها خیال می‌کردند صاحب اختیار دنیا هستند ؛ نسبت به کشورهای گوناگون عالم خط و نشان می‌کشیدند و تصمیم گیری می‌کردند. همه‌ی اینها به برکت این است که شما ملت، این دو کار را فراموش نکنید: یکی شرکت در سازندگی کشور ؛ هم سازندگی علمی یعنی درس بخوانید، درس بگویید، تحقیق، فکر و نوآوری کنید، ابتکار کنید و راههای میانبُر را پیدا کنید ؛ بن‌بستها را بشکافید و جلو بروید هم کار عملی.

در سازندگی کشور، همه باید سهیم شوند. هیچ کس نباید خود را کنار بکشد. دولت هم باید هدایت کند که البته می‌کند. برنامه‌ی دوم، متکفّل انجام کارهای بزرگی است که ان‌شاءالله انجام می‌شود. به طور استثنایی هم بعضی از بخشهای این کشور بعضی از استانهایی که استحقاقش را دارند باید مورد توجّه خاصی قرار گیرند که ان‌شاءالله استان مازندران از جمله‌ی این استانها باشد. امیدواریم مسؤولین همّت و تلاش کنند و حالا که فرصتی پیدا شده استبخشهایی را که در این‌جا می‌شود دنبال کرد و کارهایی را که می‌شود برای این مردم عزیز و برای کشور انجام داد، بیایند و با کمال قوّت و قدرت دنبال کنند. چهره‌ی استان را از آنچه که هست، زیباتر، و از لحاظ برکات معنوی و الهی، آن را با برکت‌تر کنند ؛ به طوری که در این استان، دیگر ان‌شاءالله ریشه‌ی فقر به‌کلّی از بیخ و بن کنده شود.

و آن دومی، «توبوا الی‌الله جمیعاً ایّها المؤمنون». عزیزان من! باید به خدا برگردید ؛ خدا را فراموش نکنید. جوانان عزیز! مواظب اخلاق الهی و اسلامی که ودیعه‌ای است در میان این ملت، باشید. امروز یکی از هدفهای اساسی دشمنان شما این است که اخلاق جوانان این ملت را فاسد کنند. برای این کار تلاش و سرمایه‌گذاری می‌کنند. چه کسی باید مواظب باشد؟ همه ؛ مخصوصاً جوانان ؛ جوانان مؤمن.

آن ملتی که با خدا آشتی باشد ؛ آن ملتی که تضرّع و توسّل به خدا را فراموش نکند، راه سازندگیش هم هموارتر خواهد شد. «و یا قوم استغفروا ربّکم ثم توبوا الیه یرسل السّماء علیکم مدراراً و یزدکم قوّة الی قوّتکم». (76) قرآن این‌گونه به ما یاد می‌دهد ؛ یعنی استغفار، به خدا برگشتن، توجّه و رعایت امر و نهی الهی، پاکدامنی، تقوا، راستگویی، روح برادری و برابری، احسان به زیردستان، تواضع در مقابل برادران و خواهران مسلمان، کمك به درماندگان، عبادت پروردگار، نوافل، تلاوت قرآن، دعا و توسّل و تضرّع.

وقتی این ارزشها در یك کشور و در میان ملتی وجود داشته باشد، اگر همراه با آن، عامل دیگر هم که تلاش باشد، بشود، هیچ چیز نخواهد توانست آن ملت را از پیمودن راه سعادت و صلاح باز بدارد. مراقب باشید دوران سازندگی، دوران جهاد اکبر هم هست: خودسازی، مبارزه با شیطان و مبارزه با نفس و توبه‌ی الی‌الله.

این استان، اهل توسّل و تضرّع و توجّه به خدا و اقامه‌ی مجالس و محافل دینی است. از قدیم این‌طور بوده است ؛ بعد از انقلاب هم بهتر و بیشتر و با کیفیّت تر شده است. من به جوانان توصیه می‌کنم نماز جماعت را، حضور در مساجد، اقامه‌ی مجالس دعا و تضرّع و فهمیدن مفاهیم این دعاها را که بفهمید با خدا چه می‌گویید و چه صحبت می‌کنید جدّی بگیرید. از یك طرف بازوان فعّال و گام استوار در راه سازندگی علمی و عملی ؛ از یك طرف دلِ خاشع و خاضع در مقابل پروردگار و توجّه و توسّل به خدای متعال و استمداد از اولیای مطهّر و معصومش ؛ بخصوص حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنافداه. این خواهد توانست همان حیات طیّبه‌ای را که قرآن وعده کرده است و انقلاب برای آن

است، ان‌شاءالله برای شما مردم به ارمغان آورد.
یك بار دیگر از همه‌ی برادران و خواهران عزیزم در شهرساری و همچنین از برادران و خواهرانی که از شهرهای دیگر استان به ساری تشریف آوردند تشکر می‌کنم. شنیدم که بعضی با پای پیاده از بعضی شهرها راه افتادند و این‌جا آمدند. ان‌شاءالله این گامها در راه خدا استوار باشد و این چهره‌های با محبّت در مقابل انوار لطف و فضل پروردگار قرار گیرد، و خدای متعال به همه‌ی شما مردم عزیز در این شهر و در شهرهای دیگر، تفضّلات خودش را عنایت کند.
ما ان‌شاءالله چند روز کوتاهی در این استان هستیم ؛ با جمعیتهای این استان در شهرهای مختلفی ملاقات خواهیم کرد و امیدواریم که این سفر، این دیدارها، این گفتنها و شنیدنها، در راه خدا و برای خدا باشد و ان‌شاءالله از شما و ما مشمول لطف و قبول پروردگار قرار گیرد.
والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته
74) نحل: 97
75) نور:31
76) هود:52